

معنای حب چیست و محبوب حقیقی ما به عنوان یک انسان کیست؟

حب چیست و یگانه محبوب حقیقی ما کیست؟

معنی حب چیست؟

دوست داشتن یعنی چه؟

محبوب حقیقی ما کیست؟

در زندگی ما کارکرد دوست داشتن و حب چیست؟

آیا ما برای به دست آوردن چیزی که دوست نداریم، تلاش می‌کنیم، یا از داشتنش احساس لذت می‌کنیم؟

در درس‌های گذشته متوجه شدیم که ساختار نفس ما قوای پنجگانه‌ای به نام حس، خیال، وهم، عقل و فوق‌عقل دارد. هر کدام از این قوا نیازهایی دارند و برای رفع نیازها و خواسته‌هایشان، رسیدن به مطلوب یا معشوق خود را می‌خواهند. گفتیم که اگر بین طالب و مطلوب سختی وجود نداشته باشد، یا مطلوب مورد نیاز طالب نباشد، اصلاً طلبی ایجاد نمی‌شود. اما علاوه بر سختی و نیاز عامل اساسی دیگری هم لازمه طلب و آرزوی هر چیزی است؛ عاملی به نام حب. اما حب چیست؟ حب در لغت به معنای دوستی و کشش نفس به سوی چیزی خواستنی است، پس می‌توان گفت که ما به واسطه علاقه و حب اولیه است که به خواستن چیزی تمایل پیدا می‌کنیم و هر چیزی که می‌خواهیم محبوب و معشوق بخشی از وجود ماست.

سوال دیگری که به وجود می‌آید این است که، در زندگی ما نقش حب چیست؟ در واقع اگر نسبت به چیزی حب، علاقه و دوست‌داشتن در نفس ما ایجاد نشود، میل و کششی هم نسبت به آن نخواهیم داشت. محبتی را که بین هر بخش از وجود ما و مطلوب آن وجود دارد، می‌توان اساس فعالیت‌های نفس دانست. این محبت است که همه قوای ما را بسیج می‌کند، تا هر کدام از مراتب وجودمان را به خواسته‌اش برسانیم.

¹ تأملی در معنای حب در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن، علی شیروانی شیرازی

اما «اله»^۲ چیست و ارتباط آن با حب چیست؟ اله هر چیزی است که به دلیل وجود، سنخیت، شناخت، ظرفیت و بهره‌برداری قبلی مطلوب و محبوب یکی از بخش‌های وجودی ماست. این محبوبیت «خواستن» را در وجود ما ایجاد می‌کند و در نتیجه این خواستن، رفتار و برنامه‌های مان را برای رسیدن به آن تنظیم می‌کنیم.

نیازهای هر یک از قوای پنج‌گانه ما اله یا معشوق همان بخش هستند و آن‌قدر در نظرمان دوست‌داشتنی می‌شوند، که ما را شیدا و واله خود می‌کنند و تمامی کنش‌ها و واکنش‌های مان را به خود معطوف می‌کنند. البته این محبت به خودی خود ناپسند نیست و حتی برای حیات ما ضروری است؛ چون زیربنایی برای همه تمایلات، خواسته‌ها و شهوت‌های ماست. در واقع اگر میل و شهوتی نسبت به خواسته‌های هر مرتبه از وجودمان نداشته باشیم، یعنی نظام محبتی ما دچار مشکل شده و در آن مرتبه دچار بیماری شده‌ایم.

محبوب و اله بخش انسانی ما

هر مرتبه از وجود ما با توجه به سنخیت، محبت و میلش معشوق، محبوب یا الهی دارد. مرتبه انسانی وجود ما هم محبوبی دارد، که با این بخش سنخیت داشته و در نتیجه محبت و میل این بخش را به خود اختصاص می‌دهد، از آنجا که ماهیت بخش انسانی وجود ما روحی خدایی است، با خدا هم‌سنخ بوده و به همین دلیل هم در ذات خود عاشق آن کمال مطلق است. هیچ‌کدام از کمالات مراتب پایین‌تر وجود ما با بخش انسانی مان سنخیت ندارند؛ در نتیجه نمی‌توانند در جایگاه معشوق و اله این بخش بنشینند و این شرافتی برای مرتبه انسانی وجود ماست که تنها و تنها خدا اله، معشوق و محبوب حقیقی او باشد. اگر می‌بینیم که در لا اله الا الله وجود هر الهی به جز الله نفی می‌شود، یعنی برای مرتبه انسانی ما که ماهیتی الهی دارد، اله دیگری به جز الله وجود ندارد؛ در حقیقت بخش فوق‌عقل ما تنها با هم‌نشینی و هم‌آغوشی با الله است که آرام می‌گیرد. هر مرتبه از وجود ما معشوق و الهی مخصوص به خود دارد. محبوب حقیقی و معشوق «بخش انسانی» وجود ما هم فقط و فقط خداست. با این حساب دانستیم که ارتباط لا اله الا الله با مفهوم حب چیست.

^۲ اله، دانشنامه اسلامی.

Mentazer Mentazer

معیار سنجش حب چیست؟

اما در زندگی ما کارکرد و زوایای گوناگون حب چیست؟ ساختار و قوانین نظام خلقت به گونه ایست که امتحان الهی در همه شئون زندگی ما و در تمام لحظات آن جریان دارد^۳ این امتحانات است که اولویتهایی را که بر اساس نظام محبتی چیده ایم، می سنجد^۴. تا زمانی که مورد آزمایش قرار نگرفته ایم، روشن نیست که محبت اله حقیقی وجودمان تا چه میزان در وجودمان جاری است^۵.

معیار و شاخص سنجش سلامت نظام محبتی در وجود ما این است که معشوق هر بخش از وجود ما در اندازه و محدوده مشخص خودش برایمان اهمیت داشته باشد. برای مثال اهمیتی که برای کار و یا کسب علم قائلیم باعث کاستن از عاطفه و زمانی که خرج خانواده مان می کنیم، نباشد. یا اهمیتی که برای زیبایی خود قائلیم ما را دچار مشکلات مالی نکند. خداوند ضمن این که محبت ما را نسبت به اعضای خانواده، خانه، وسایل زندگی، تجارت و ثروت به رسمیت می شناسد، از ما می خواهد که هر کمالی را در محدوده مشخص شده برای همان کمال دوست داشته باشیم و محبتمان نسبت به معشوق مرتبه انسانی مان، یعنی خدا، اهل بیت و جهاد در راه او بالاتر از تمام محبت ها باشد^۶. اگر چنین اتفاقی افتاد، نشان می دهد که ما به شناخت درستی از خود حقیقی و ابدی مان و رابطه ای که با الله داریم، رسیده ایم.

همان رابطه ای که ما در عشق های ملموس زمینی تجربه می کنیم، در رابطه با معشوق بخش انسانی وجودمان هم صدق می کند و رفتار ما میزان علاقه و محبتمان را برای معشوق مان مشخص می کند. این امتحانات اولویت اول قلبمان را برای خودمان هم روشن می کند. در واقع همان بخشی فرمانروای واقعی وجود ماست، که وقتی پای انتخاب میان معشوق های

3. سوره بقره، آیه 155

4. سوره ملک، آیه 2

5. سوره حج آیه 11

6. سوره توبه، آیه 24

مختلف وسط باشد، پیروز میدان می‌شود. اگر خدا به راستی اولین معشوق قلب ما باشد، وقتی پای انتخاب به میان می‌آید، دست از اله‌های مراتب پایین‌تر شسته و همه را فدای خواست و اراده معشوق و محبوب حقیقی خود خواهیم کرد.⁷

محبوب ما کیست؟

هر کدام از ما با توجه به این که هم و غم اصلی‌مان را در برآوردن نیاز کدام مرتبه از وجودمان صرف می‌کنیم، آشکارا نشان می‌دهیم که اصالت را به کدام مرتبه از مراتب وجودی خود یعنی مرتبه جمادی، گیاهی، حیوانی، عقلانی و یا انسانی‌مان داده‌ایم. چون هر مرتبه‌ای از وجودمان که اصل قرار بگیرد، ما را تابع اله و محبوب خود می‌کند، این اتفاق در اثر محبتی که بین آن مرتبه و معشوقش وجود دارد، کاملاً طبیعی و منطقی است.

اگر ما به عنوان انسانی که از مرتبه‌ای الهی برخورداریم، از اله بخش‌های پایینی وجودمان تبعیت کنیم، از مرتبه انسانی بودن خارج می‌شویم، چون اله حقیقی‌مان را رها کرده و معشوق‌های سایر مراتب وجودمان را محبوب خود قرار داده‌ایم و خود را به تبعیت از آنها مشغول کرده‌ایم؛ یعنی دچار «هوا» شده‌ایم؛ هوا هر چیزی است که دلخواه ماست، اما در مرتبه‌ای پایین‌تر از فوق‌عقل قرار دارد. ما اگر نسبت به معشوق حقیقی‌مان عشق بورزیم و او را حقیقتاً محبوب خود بدانیم، الهی غیر از او برای خود در نظر نمی‌گیریم و به معنای حقیقی لا اله الا الله می‌رسیم.

در این مقاله گفتیم که نیاز، محبت ایجاد کرده و ما را به طلب می‌رساند، نیازهای هر یک از مراتب وجودی ما در حکم معشوق و محبوبی برای آن مرتبه‌اند و در واقع اله آن بخش از وجود ما محسوب می‌شوند. اما تنها اله و معشوق بعد انسانی وجود ما الله است و وجود ما تنها با وجود او آرام می‌گیرد. ما اگر الله را حقیقتاً معشوق خود بدانیم، دست از اله‌های مراتب پایین‌تر

⁷ محبوب یگانه، فاطمه باقرزاده.

می کشیم و همه را فدای خواست محبوب حقیقی خود می کنیم. ضرورت و اهمیت تبعیت از معشوق و محبوب بخش انسانی وجود و این نکته را که کارکرد حقیقی این حب چیست، به مرور و در مقالات بعدی توضیح خواهیم داد.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer